

## رامین اقبال یغمائی و مقبولیت آن در ایران

### سوشیل کومار ♦

اقبال یغمائی یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های زبان و ادبیات فارسی در دوران جدید است. مرحوم اقبال یغمائی ادیب، معلم، مؤلف، مصحح، روزنامه‌نگار، مدیر، شاعر، نویسنده و مترجم و دانشمند بود. او در سال ۱۲۹۵ خورشیدی در شهر خور بیابانک که یکی از شهرستان‌های استان اصفهان است، به دنیا آمد.

اقبال یغمایی فرزند شادروان اسدالله منتخب السادات جندقی و برادر کوچک‌تر مرحوم حبیب یغمایی، مدیر مجله «یغما» و یکی از معروف‌ترین شخصیت‌های ادبی آن زمان بود. وی که کوچک‌ترین پسر در خانواده خود بود، با سایر افراد خاندان، در روستای خور، در نزدیک اصفهان زندگی می‌کرد.

اقبال در خانواده علم و تقوا به دنیا آمد. او تحصیلات ابتدایی خود را نزد پدر دانشمندش فراگرفت، و سپس به طور منظم تحصیل کرد. در مکتب روستا زمزمه محبت ملایی به نام حاج حسین‌قلی او را شیفته درس و بحث کرد. این ملأ لذت آموختن را به او چشانده و خواندن قرآن را یادش داد. هنوز یکی دو سال از رفتن به مکتب نگذشته بود که برادرش حبیب از تهران به دیدار پدر و مادر آمد و اقبال را با خود به تهران برد تا به جای مکتب به مدرسه رود، به جای نشستن بر تشکچه بر صندلی بنشیند و بر نیمکت تکیه زند، و به جای درس خواندن در یک ساختمان اغلب غیربهداشتی، در کلاس‌های درسی روشن به تحصیل پردازد، و همچون برادرش زبان

فرانسه و علوم تجربی و تاریخی و جغرافی بخواند. خود در این باره می‌گوید:

«در شش یا هفت سالگی به تهران آمدم. برادرم حبیب این‌جا درس می‌خواند و شاگرد دارالمعلمین بود. من هم آمدم و پیش او دوتایی در اتاقی در مدرسه دارالشفاء که پیش مسجد شاه سابق بود و حالا خراب‌شده، زندگی می‌کردیم... به هرحال من در تهران به مدرسه رفتم... تصدیق ابتدایی را در سال ۱۳۰۷ از این مدرسه گرفتم... بعد رفتم مدرسه علمیه که پشت میدان بهارستان بود. آن‌جا هردو رشته علمی و ادبی را داشت، من رشته ادبی را انتخاب کردم...»<sup>۱</sup>.

در سال ۱۳۱۲ بعد از گذراندن مدت سه سال اقبال یغمایی به دانش‌سرای مقدماتی تهران رفت. او در تهران زیر نظر استادان بزرگ و عالی چون جلال‌الدین همایی، محیط طباطبای، ابوالقاسم نراقی، نصرالله فلسفی و احمد بهمنیار شهرت و مهارت و لیاقت یافت. او بر عهده آموزگاری و پرورشکاری نشست و تقریباً ۶۰ سال تدریس کرد. اقبال یغمایی نه فقط دیپلم ادبی گرفت، بلکه وارد دانش‌سرای عالی شد و دوباره خودش را زیر نظر استاد جلال‌الدین همایی آورد. او آن‌قدر در کار معلمی مشغول بود که برای تحصیلات عالی فرصت نیافت که درجه لیسانس بگیرد. او خودش را تحت تأثیر استادان دکتر لطف‌علی صورتگر، بدیع‌الزمان فروزانفر و علامه سید کاظم عصار آورد. به ویژه از استادان خانم ماه‌منیر نفیسی و خانم دکتر جزایری، زبان فرانسه را یادگرفت. در مورد تدریس و اشتغالش اقبال یغمایی چنین می‌نویسد:

«بعد از اتمام دانش‌سرا، من و یک‌نفر دیگر را به شاهرود فرستادند. فکر می‌کنم که سال ۱۳۱۵ بود. آن‌جا یک مدرسه ملی بود. ما که رفتیم، کلاس دوم را هم تشکیل دادیم و بعد هم یک کلاس سوم راه انداختیم»<sup>۲</sup>.

اقبال یغمایی در مدارس شاهرود، دامغان و مشهد برای مدت ده سال به تدریس و خدمت به زبان و ادبیات فارسی و فرانسه اشتغال داشت و مدتی هم رییس دبیرستان بود. او در این مدت به کار تدریس، پژوهش و نوشتن هم مشغول بود. سپس وی در

۱. به نقل از مجله رشد معلم، شماره هشتم، اردیبهشت، اسفندیار معتمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۲.

۲. همان مجله، ص ۱۳.

سال ۱۳۲۵ به تهران منتقل شد و کار نوشتن زندگی‌نامه‌ها را شروع کرد. او زندگی‌نامه‌ی خواجه نصیر طوسی، ابومسلم خراسانی، فردوسی، بزرگ‌مهر و سید جمال واعظ اصفهانی... و نیز شرح احوال «وزیران علوم و فرهنگ ایران» را نوشت.

### اقبال یغمائی به قلم خود

«نامم اقبال و نام خانوادگی‌ام یغمائی به‌سال ۱۲۹۵ خورشیدی در خور که درست در مرکز ایران در کویر است به دنیا آمدم، پدرم حاجی اسدا... مُنتخب السادات آل داود نام و لقب داشت.

هفت سال داشتم که برادرم «حبیب یغمائی» مرا به تهران برد تا در آن‌جا تحصیل نمایم، پس از تحصیلات در سال ۱۳۱۵ خورشیدی در سمت دبیری به استخدام وزارت معارف آموزش و پرورش کنونی - درآمدم و به شاهرود رفتم.

در سال ۱۳۲۵ به تهران منتقل شدم و در اداره‌ی کل نگارش وزارت فرهنگ مشغول به کار شدم. مدت چهار سال سرپرست مجله‌ی آموزش و پرورش بودم، و پس از آن «مجله‌ی دانش‌آموز» را انتشار دادم.<sup>۱</sup> در ۱۳۴۷/۱۰/۱۲ بازنشسته شدم و سالی چند در بنیاد فرهنگ ایران فعالیت می‌نمودم.<sup>۲</sup>

او پس از دو سال تدریس در مدارس تهران به اداره‌ی نگارش وزارت فرهنگ منتقل شد. خدمات عمده‌ی وی همکاری و مدیریت در انتشار مجله‌ی دانش و آموزش و پرورش بود. او با برادر خود حبیب یغمایی که مدیر مجله‌ی آموزش و پرورش بود، همکاری کرد، و در همان سال به‌طور رسمی مسئولیت مدیریت مجله‌ی آموزش و پرورش را بر عهده گرفت و بعد از آن به مدت چهار سال در آن کار کرد.

در سال ۱۳۳۲ش اقبال یغمایی مجله‌ی دانش‌آموز را منتشر کرد. این مجله مخصوص کودکان و نوجوانان بود. بعد از چند سال به علت کمبود بودجه مجله‌ی دانش‌آموز تعطیل شد و اقبال یغمایی به اداره‌ی کل انتشارات و نگارش انتقال یافت و در آن‌جا کار

۱. نکته این‌که اقبال یغمائی مؤسس مجله‌ی دانش‌آموز بوده است.

2. <http://www.naakojaa.com/author/17955>

خود را ادامه داد.

اقبال یغمایی در دوران باز نشستگی خود هم کارهای مهمی را انجام داد. او در سال ۱۳۴۷ از وزارت آموزش و پرورش بازنشسته شد، و در همان سال از طرف دکتر پرویز ناتل خانلری که دبیرکل بنیاد فرهنگ ایران بود، دعوت شد و با همکاری ایشان به کارهای علمی و ادبی پرداخت. او در همان زمان به سوی دکتر محمد امین ریاحی رفت و نوشتن زندگی نامه‌های بزرگان ایران برای جوانان را پیشنهاد کرد، و برای این کار با دکتر محمد امین ریاحی متفق شد. اقبال یغمایی در این کار خودش را مشغول کرد و کارهای متعددی را انجام داد که چاپ و منتشر شدند.<sup>۱</sup>

اما شاهکار اقبال یغمایی کتاب «مختصر راماین» کتاب مقدس و مهمترین اثر حماسی هندوان است که یکی از معروفترین کتاب‌های ترجمه شده از هندی به فارسی جدید به حساب می‌آید. قبل از این چندین ترجمه از کتاب راماین انجام شده بود، اما کتاب «مختصر راماین» که توسط اقبال یغمایی ترجمه و در اواسط دهه پنجاه خورشیدی در چاپخانه رامین در ایران چاپ شد، در زبان و ادبیات فارسی دارای اهمیت و ارزش فوق‌العاده است.

ترجمه‌نگاری یکی از مهمترین بخش‌های ادبیات فارسی است. همان‌طوری که می‌دانیم این کتاب در کشور ایران در برابر دیگر راماین‌های فارسی، بسیار معروف شد. در دوره حکومت مغول بالخصوص در دوره عهد اکبر توسط گروه مترجمان در سال ۹۹۷ هجری قمری کتاب راماین از زبان سنسکرت به زبان فارسی ترجمه شد. بعد از آن چند تن از نویسندگان به زبان‌های دیگر نیز آن را ترجمه کردند. این ترجمه‌ها اما از سوی ایرانیان چندان تحت توجه قرار نگرفته است. زیرا آن ترجمه لفظ به لفظ بود؛ اما وقتی که ما در مورد این کتاب «مختصر راماین» حرف می‌زنیم، درمی‌یابیم که از طرز نو و لطیفی برخوردار است، و مترجم آن را به لحن و شیوه امروزی ترجمه کرده است، و بسیار جالب و قابل فهم به نظر می‌آید؛ به این سبب آن ترجمه در ایران و دنیای ادبیات

---

۱. نامه اقبال یغمایی، یادنامه اقبال یغمایی، به کوشش سید علی آل داود، از انتشارات هیرمند، ۱۳۷۷، ص ۱۳-۲۲.

فاسی معروف گشت و مردم ایران به طور کلی با داستان‌های راماین آشنا شدند و آن را دوست دارند. اقبال یغمایی خود در مورد راماین چنین می‌گوید:

«راماین کهن‌ترین حماسه منظوم سانسکریت و بی‌گمانی یکی از آثار جاویدان جهان است که هرگز نامش از صفحه گیتی زدوده نخواهد شد. قدمت و لطافت و گیرایی «راماین» آن را در شمار کتب مقدس هندوان درآورده است. در گیتی کمتر اثری می‌توان یافت که به اندازه «راماین» پسند خاطر دانایان افتاده باشد»<sup>۱</sup>.

اولین ترجمه منثور این اثر را امیر سینگه به سال ۱۱۱۷ هجری قمری (سال پادشاهی اورنگ‌زیب پسر شاه‌جهان)، به پایان برده است. بعد از آن این کتاب را دکتر عبدالودود اظهر دهلوی در سال ۱۳۰۰ شمسی در دو جلد تصحیح و منتشر کرد و سپس اقبال یغمائی این کتاب را با زبان روان و سلیس به زبان فارسی برگرداند و با طرز جدید در میان مردم ایران به یادگار گذاشت، و این‌گونه معروف شد.<sup>۲</sup>

اقبال یغمایی با کمک کتاب دکتر عبدالودود اظهر دهلوی و دیگر آثار که به زبان فارسی ترجمه شده، کتاب «مختصر راماین» را مطابق فرهنگ و تمدن ایران و هند به چارچوب تازه که قبل از آن هیچکس نپرداخته، دقیق و مختصر کرد.

همان‌طور که گفته شد راماین یکی از بلندترین حماسه‌های سراسر جهان است، و همین کار ترجمه و خلاصه‌سازی آن را سخت می‌کند، که البته شادروان اقبال یغمایی به خوبی از عهده‌ی این کار برآمده است. به همین علت می‌توان گفت که «مختصر راماین اقبال یغمایی» بعد از سال‌های طولانی زبان و ادبیات فارسی را غنی‌تر کرد و با کمک کتابش همه فرهنگ و تمدن و آداب و رسوم قدیمی هندوستان را در دوره جاری احیا کرد.

راماین اقبال با ترجمه و تلخیص یغمایی از لحاظ چند نکته خیلی مهم است، اما یکی از مهمترین وجوه این اهمیت آن‌که تمام اختلافات در متون مختلف راماین و داستان‌های راماین را حذف نموده و کتاب «مختصر راماین» را تدوین و ترتیب داده است. در این که چرا راماین اقبال یغمایی یکی از نمونه‌های خوب و جالب فارسی در

۱. اقبال یغمایی، مختصر راماین، انتشارات بنیادی فرهنگ ایران، تهران، ۱۹۷۶، ص ۱۱.

۲. همان کتاب، ص ۱۲.

ایران و هند و در میان پارسی‌گویان جهان شمرده می‌شود، باید بگوییم: اگرچه مترجم «مختصر راماین» از واژه‌های سانسکریت و هندی استفاده کرده، ولی بسیار کوشیده که عبارات ساده و روان و سلیس باشد. وی در کتاب خود برخی از واژه‌های فارسی که در جامعه هند متداول بوده است، مخصوصاً معنی آن را به‌کار برده است. مثلاً «ماحضری» به معنی غذای ساده، و «ترش‌گویی» به معنی عصبانیت و «شادی» به معنی عروسی و «گرفتاری» به معنی دربندبودن، «هنومان» به معنی میمون، و «جنگ» به معنی مبارزه و «دیدار» به معنی عیادت و بازدید و غیره که در هند و ایران آن روزگار کاربرد داشته است. اقبال یغمایی اصطلاحات اسلامی را که به دوره مترجم اصلی رایج بوده اما بعدها از رواج افتاده را در کتاب «مختصر راماین» به‌کار نبرده است. مثلاً از «خطبه به نامش خواندند» یا برای زنان «پرده‌نشینان» و «حجاب‌نشینان» استفاده نکرده است و این یکی از مهمترین ویژگی‌های راماین اقبال یغمایی به‌شمار می‌رود.

اگر ما امروز «راماین امر پرکاش» را مورد مطالعه قرار بدهیم، معلوم می‌شود که وی تشبیهات و کنایات هندی را به فارسی به‌کار برده است. مثلاً «قشقه سلطنت لنکا یافت» یعنی پادشاهی آنجا را گرفت. وی چشم‌ها را در پیروی از ادبیات سانسکریت و هندی به گل نیلوفر (به جای نرگس) به‌کار برده...<sup>۱</sup> اما در کتاب «مختصر راماین» تشبیهات و کنایات هندی را نمی‌توان دید. چون که برای مردم ایران، فهمیدن تشبیهات و کنایات خدایان هندو دشوار است. به همین علت، مقبولیت راماین اقبال یغمایی میان پارسی‌گویان بیش از دیگر ترجمه‌های راماین شد.

راماین یکی از متون اساسی و معتبر مذهب هندو دانسته می‌شود، که شامل اوپانیشادها، وداها و مهابهارت و پورانها بوده، و طبق نظر دانشمندان هند وداها فقط برای برهمنان و عالمان مورد توجه قرار می‌گرفت، و اگر اوپانیشادها را مورد مطالعه قرار بدهیم، می‌بینیم که اوپانیشادها برای متفکران و فیلسوفان بوده است، اما حماسه

۱. به نقل از، دکتر عبدالودود اظور دهلوی، راماین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص ۵۰.

(راماین یغمایی) را مردم عامه اساس زندگی قرار می‌دهند.<sup>۱</sup>  
 اگر ما عقیدت هندوان به راماین را بررسی می‌کنیم، نتیجه می‌گیریم که رام یک انسان کامل و بهترین الگوی بشر است. به همین علت وی «اوتم پورش» خوانده می‌شود.  
 «دانشمندان و عالمان همان وقایع ساده و محسوس راماین را وجه تمثیلی و مبانی فلسفه قرار می‌دهند».

بدون شک می‌توان گفت که «راماین مختصر اقبال یغمایی» یکی از مهمترین مثال‌های ادبی است که دوره جدید و قدیم را به خوبی به هم متصل می‌کند. چنان‌که ما می‌دانیم «راماین والمیکی» را در ادبیات سانسکریت «آدی کاویه» می‌خوانند و آن نه فقط در ادبیات هند، بلکه در سراسر جهان به عنوان شاهکار ادبی شمرده می‌شود. بدون شک نویسندگان و شاعران و محققان بسیار را تحت تأثیر خود قرار داده و علاوه بر این در پیروی از راماین کتاب‌های مقدس بسیاری نه تنها در هند بلکه در زبان‌های گوناگون دیگر هم تقلید نوشته شده است.

راماین اقبال یغمایی اثر ارزشمندی است که وجود احساس مسئولیت و وظیفه‌ای عمیق و انسانی را می‌توان در خلال آن دریافت و ویژگی‌هایی که در «راماین والمیکی» وجود دارد، را علی‌رغم اختصار در «مختصر راماین» اقبال یغمایی هم می‌توان یافت. اگرچه کتاب داستان‌های راماین به صورت مختصر بیان شده، باوجود این در آن ارزش‌های باستانی حماسه از نظر جهانی و ویژگی‌های فرهنگ و تمدن هندی به خوبی مطرح شده، و این ناشی از کیفیت کار مترجم است که ما نمی‌توانیم از آن چشم‌پوشیم. ترجمه‌های بسیاری از «راماین والمیکی» به زبان فارسی در دست ماست، اما «مختصر راماین» از لحاظ مقبولیت و محبوبیت و نفوذ و شهرت در میان زندگی مردم عامه بیش از هر کتاب دیگر راماین است که تا کنون ترجمه شده، و شاید بتوان گفت سرفهرست و نخستین اثر از نظر کیفیت است.

1. The Cultural Heritage of India v-2, p.95-96; Ramayana, C.Rajagopalachari, p.1.

۲. به نقل از، دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، راماین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ص ۲۱.

اگرچه «راماین اقبال یغمایی» از حیث موضوع محدود و محصور است، ولی از دیگر ترجمه‌های راماین قابل فهم‌تر و دقیق‌تر و تأثیرگذارتر است. در یک کلام در میان ترجمه‌های راماین به زبان فارسی، «راماین یغمایی» دقیق‌تر، مختصرتر، فصیح‌تر و بلیغ‌تر است، تا آنجا که آن را هم مردم عامه می‌پسندند و هم خواص از لحاظ فلسفه و آیین زندگی انسان برای آن فوقیت و برتری قایل‌اند.

### منابع

۱. دکتر عبدالودود اظهر دهلوی، راماین کتاب مقدس هندوان، انتشارات بنیاد فرهنگ، ایران، ۱۹۷۲.
۲. اقبال یغمایی، مختصر راماین، انتشارات بنیادی فرهنگ ایران، تهران، ۱۹۷۶.
۳. شری بالمیکی راماین، شری جی گوپال (ترجمه به زبان اردو) دهلی.
۴. راماین امرپرکاش، امرسنگه، منشی نول‌کشور، لکهنو، ۱۸۷۷م.
۵. راماین مسیحی، ملا سعدالله مسیح، منشی نول‌کشور، لکهنو ۱۸۹۹م.
۶. روابط ایران و هند، سخنرانی دکتر تاراپند، سفارت هند تهران، ۱۳۴۲.
۷. تلسی راماین (ترجمه به زبان اردو) دهلی.
۸. مجله سخن، دکتر خانلری، تهران.
۹. هندی ادب کی تاریخ، دکتر حسن (به زبان اردو)، علی‌گره، ۱۹۵۰م.
10. Syed Abdullah, Adabiyat-e-Farsi me Hinduon ka Hissa, Hyderabad, 1942.
11. Chaturvedi Dwarikaprasad Sharma, Shrimadvalmiki-Ramayana, Allahabad 1927.
12. C. Rajagopalchari, Ramayana, Bhartiya Vidya Bhavan, Delhi, 1990.
13. Ramesh Menon, The Ramayan: A Modern Retelling of the Great Indian Epic, New York, 2004.
14. U. V. K Rao, A Handbook of Classical Sanskrit Literature, Madras, 1946.
15. K. C. Chakravarti, Ancient Indian Culture and Civilization, Bombay, 1952.
16. M. Muslim, An Introduction to the Principle of Indo-Iranian Phonology Part 1, Allahabad.
17. H. R. Navelkar, A New Approach to the Ramayana, Jabalpur, 1957.
18. S. K. De, Aspects of Sanskrit Literature, Calcutta, 1956.
19. Y. Husain, Glimpses of Medieval Indian Culture, Delhi, 1962.



20. J. B. Chaudhari, Muslim Patronage to Sanskrit Literature Vol 1, Calcutta, 1954.
21. Nagendra, Indian Literature, Agra, 1959.
22. D. P. Sharma, Ramayana Tulsidas, Allahabad, 1921.
23. C. A. Storey, Persian literature A Bio Bibliographical survey Vol. 1 part 2, London, 1953.
24. F. C Davar, India and Iran Through the Ages, 1958.
25. R. C. Dutta, The Ramayana, Allahabad, 1944.
26. G. T. Garratt, The Legacy of India, oxford, 1951.
27. L. Renou, The Civilization of Ancient India, Calcutta, 1958.
28. Chamanlal, Text book of Indian Culture, New Delhi, 1968.
29. C. Rajagopalchari, Ramayana, Bombay, 1957.
30. L. Renou, Vedic India, Calcutta, 1957.
31. A. A. Macdonell, The Vedic Mythology, Varansi, 1963.